

طرح مساله:

نوشتار حاضر در بی پاسخ به دو پرسش است: ۱- منظور و مراد زرین کوب از تاریخ نگری چیست؟ ۲- اصول تاریخ نگاری از دیدگاه او کدام است؟

مقدمه:

با علم براین که هر دو پرسش فوق با رویکرد به مبانی تئوریک علم تاریخ طرح شده است، الزاماً می بایست در میان آثار مربوط به تاریخ دکتر زرین کوب، آن دسته آثار او، مورد کنکاش و جستجو قرار گیرند

که در آنها به مباحث نظری تاریخ پرداخته شده است. گفتنی است که کنکاش‌ها و بحث و فحص‌های علمی و انتقادی دکتر زرین کوب در حوزه مباحث نظری تاریخ که مشتمل بر دیدگاه‌ها و نقطه نظرات وی درخصوص فلسفه تاریخ (philosophy of History)، تاریخ‌نگاری (Historiography)، روش شناختی تاریخ (methodology of History) و تاریخ‌شناسی (sociology of History) است عمدتاً در یک کتاب 'مفهوم و دو مقاله' اساسی طرح و تحلیل شده است. انتشار کتاب تاریخ در ترازو در دهه پنجاه مسلمانی کاری رفیع، سترگ، بی‌سابقه و جسورانه<sup>۱</sup> تلقی می‌شود. او با بهره‌گیری فراوان از منابع اصیل غربی به پژوهش در مباحث نظری تاریخ پرداخت. وی در این آثار عصاوه و جوهرة اندیشه‌ها و دیدگاه‌های شماری از فیلسوفان و مورخان بزرگ مغرب زمین، در باب تاریخ و فلسفه آن، را روایت کرده است. هر چند او، خود جز در برخی موارد کمتر به مناقشه و مجاجه با آراء آن بزرگان پرداخته است ولی با این حال درک و دریافت اندیشه‌های بنیادین آن بزرگان و

## تاریخ نگری مر تحقیقات کا پیرو رسدی

### اصول تاریخ نگاری از دیدگاه زنده یاد

دکتر

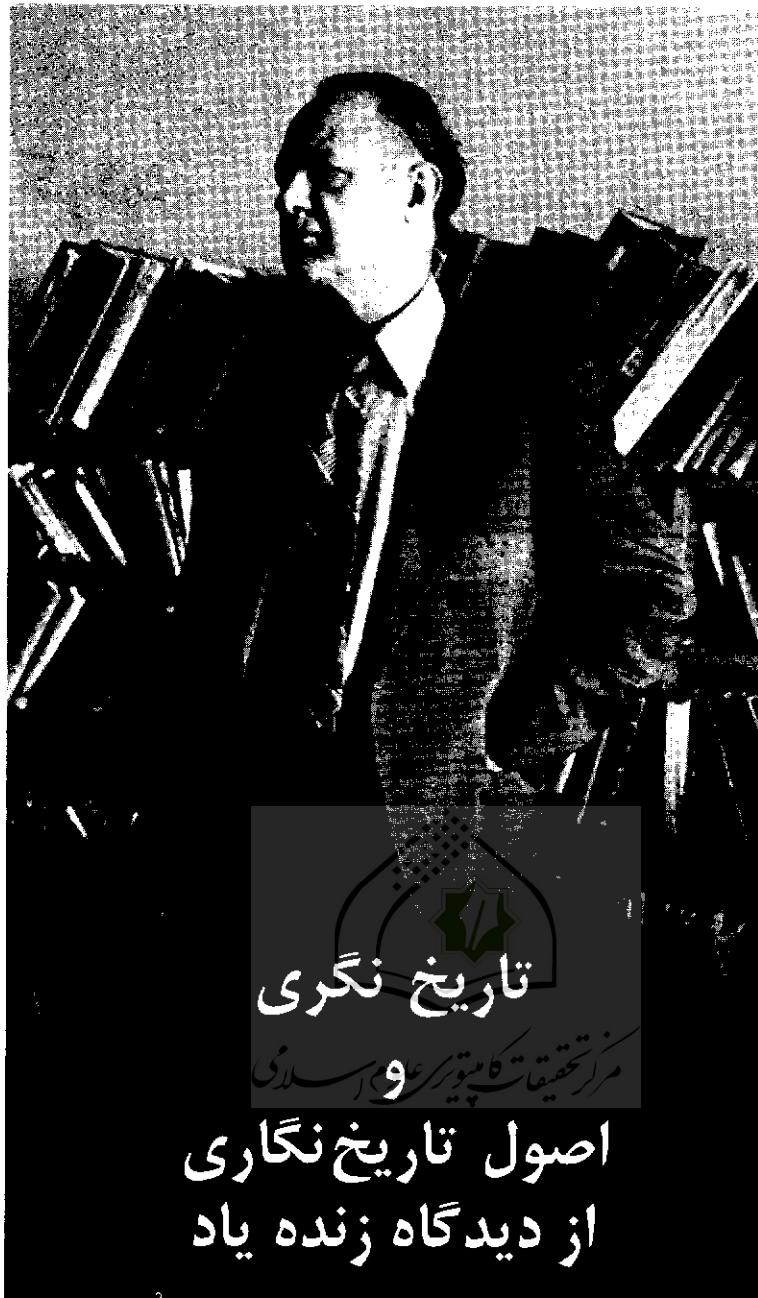
عبدالحسین زرین کوب

نصرالله صالحی

وتحسین بر زبانش جاری می‌شود. از آن جا که مضمون و محتوای دو مقاله پیش گفته با اندک تفاوتی از سخن مباحث مطروحه در کتاب تاریخ در ترازو است، در اینجا برای آگاهی خوانندگان تنها فهرست مطالب و مندرجات این کتاب ارائه می‌شود:

۱- فایده تاریخ - لذت یا شناخت؟ (۹۰-۲۶)؛ ۲- سنت‌های تاریخ‌نگویی (۵۲-۷۵)؛ ۳- تاریخ نویسی در یونان و رم (۸۹-۷۶)؛ ۴- اروپا و تاریخ‌نگاری و شناخت (۱۱۹-۱۳۷)؛ ۵- افق‌های ناکجا آباد (۲۵۶-۲۲۲)؛ ۶- جستجوهای تازه (۱۹۷-۱۹۸)؛ ۷- اندیشه تاریخ‌نگاری (۲۳۱-۱۹۸)؛ ۸- نقد و ارزیابی (۱۶۷-۱۲۸)؛ ۹- چنانکه تاریخ (۲۷۴-۲۵۷). یادداشت‌ها، گزیده منابع. چنانکه ملاحظه می‌شود مسائل مربوط به تاریخ‌نگاری، بیش از مباحث تاریخ‌نگری است. در این نوشته نیز به اولی پیش از دومی پرداخته خواهد شد ولی با این حال باید دانسته شود که این دو مقوله در اندیشه زرین کوب بیوندی وثيق و تنه‌گانگ با بکدیگر دارند از این‌رو است که بر مورخان واجب است تا در حوزه‌های[های] تاریخ پژوهی از هر حیث به شأن و جایگاه این دو مقوله وقوف کامل داشته باشند. اما بازگردیم به پرسش‌های مطروحه در اغاز این نوشته.

یکم: چیستی تاریخ نگری از دیدگاه زرین کوب: اگر گفته شود که تعبیر «تاریخ نگری» از اصطلاحات سهل و ممتنع مورداستفاده زرین کوب در مباحث نظری



واقع معضل در سال ۵۷، با انتشار رساله‌ای فشرده و مختصر اما با ارزش و پر محتوی از جانب دکتر سروش جبران گردید. اور پیشگفتار خود با اشاره به همین نکته می‌نویسد: «امروزه فلسفه تاریخ نامی است که بر دو گونه معرفت متفاوت - والبته مرتبط - اطلاق می‌شود. و از آن جا که برآمیختن احکام و مسائل این دو گونه معرفت مایه آشناگی‌ها و بد آموزی‌های بسیار شده است ما کوشش می‌کنیم در این نوشتار کوتاه، برای نخستین بار در زبان پارسی، آن دو را به خوبی از هم جدا کنیم و مزد و قلمرو هر کدام را تا حد ممکن باز نماییم.»

علماء و اندیشمندان فلسفه تاریخ در غرب که در این حوزه از داشت بشری نیز همانند بسیاری دیگر از حوزه‌های داشت پیش‌تاز و پیشگام بوده‌اند، فلسفه تاریخ را به دو گونه معرفت منقسم کرده‌اند: «فلسفه نظری یا جوهري تاریخ» که در زبان انگلیسی آن را (substantive or speculative philosophy of History) می‌خوانند و «فلسفه انتقادی یا تحلیلی [ای علمی] تاریخ» که در زبان انگلیسی آن را (critical or analytical philosophy of history) می‌خوانند.<sup>۱۲</sup> این دو قسم فلسفه تاریخ علیرغم ربط و پیوندی که با یکدیگر دارند، هر کدام ناظر به پرسش‌ها و مسائل خاصی هستند. فلسفه نظری تاریخ که از سایه‌ای دیرین برخوردار است، متکلف پاسخگویی به سوالاتی از این قبیل است: معنا و هدف تاریخ؛ محرك و مکانیسم حرکت تاریخ؛ غایت، مقصود و سرمنزل تاریخ... آیا می‌توان در تاریخ به ترقی و تکامل قائل شد؟ و سوالاتی از این دست. یافتن پاسخ به چنین سوالاتی از عهد باستان تا قرن معاصر مشغله‌ذهنی و فکری فلسفه بزرگ تاریخ بوده است. در آثار پیشگفتنه زرین کوب پرسش‌ها و مسائل مطروحه در فلسفه نظری تاریخ طرح، و پاسخ‌های بزرگان فلسفه تاریخ با استناد به آثار آنها به گونه‌ای هنرمندانه و گاه نقادانه گزارش شده است. اگرچه گزارش یکدست و درهم تئیده او کمتر مجال تفکیک مباحث و مسائل را به خوانده می‌دهد ولی با این حال می‌توان از چند محور عمده که او به آنها پرداخته سخن گفت.

۱- عوامل مؤثر در سیر تاریخ: زرین کوب در پاسخ به

این سوال که آیا تاریخ تابع مشیت ربانی و حکمت الهی است یا این که اسباب و علل طبیعی و عقلی هم در تاریخ مؤثر و نقش ساز است؟ به بررسی نگرش دین یهود در این باب پرداخته و از دیدگاه ادیان اسلامی بطور مثال نظرگاه مورخ مسلمان، طبیعی، سخن به میان اورده است آن گاه به روایت نظریه‌های مورخان و دانشمندان بزرگ همچون هرودوت، سنت آگوستین، بوسونه، ویکو، آگوست کنت، موتسکیو و ولتر پرداخته است.<sup>۱۳</sup>

۲- مستله تصادف واتفاق در تاریخ: این مستله از دیر باز ذهن مورخان و فیلسوفان را ساخت به خود مشغول داشته، چرا که منافی با اصل علیت و اصل آزادی و اختیار انسان بوده است. زرین کوب در خصوص این مساله به بیان آراء اندیشمندان زیر پرداخته است: بولیویس، پاسکال، موتسکیو،



توالی رویدادهای جزئی است مقوله‌یی شامل و کلی استخراج نماید و تست و تعریفه‌یی را که در بعد طولی و عرضی برای این رویدادها اجتناب ناپذیر است به جمع و حدت نهایی تبدیل نماید و شک نیست که فقط وقایی می‌تواند به شیوه علمی از وجهه حرکت تاریخ و نیروی محرك آن و تمام آن چه سرنوشت انسان تاریخی و فرهنگ و تمدن اöst سخن بگوید و احیاناً در تاریخ هم مثل آن چه دریاب برخی دیگر از علوم گفته می‌شود علم را وسیله‌یی برای پیش‌بینی یا پیش‌گیری کند که با انکه بر شیوه تاریخ‌نگاری عینی به تحقق تاریخ نگری علمی دست بیابد و مادام که درین امر هنوز نیل به توافق نهایی بین ادھان بسیار بعید به نظر می‌رسد فلسفه تاریخ جز مجموعه‌یی از نظریه‌های مختلف و احیاناً متضاد دریاب مباحث مربوط به تاریخ نگری تفاوت دارد.<sup>۱۴</sup> بنابراین با این توضیح پیداست که منظور و مراد عنایت از «تاریخ نگری» در فقره فوق چیزی جز فلسفه تاریخ [به معنای کلاسیک آن] نبوده است. اتفاقاً با مطالعه و بررسی دقیق آثار زرین کوب نیز می‌توان چنین استنباط کرد، او هم گاه به صورت تلویحی و گاه به صراحت از اصطلاح «تاریخ نگری» فلسفه تاریخ را مراد کرده است.

وی در نخستین سطح فصل دهم تاریخ در ترازو که به «اندیشه تاریخ نگری» اختصاص یافته است می‌نویسد: «آنچه شور و شوق عامه امروز از تاریخ طلب می‌کند تنها شناخت گذشته نیست، معنی و هدف گذشته و اینده نیز هست: تاریخ نگری. همین نکته است که فلسفه تاریخ را به رغم اعتراض‌هایی که بر امکان آن هست توجیه می‌کند.»<sup>۱۵</sup> وی در جای دیگر با صراحت پیشتر به بیان مراد خود در به کارگیری اصطلاح مزبور می‌پردازد. آن جا که می‌نویسد:

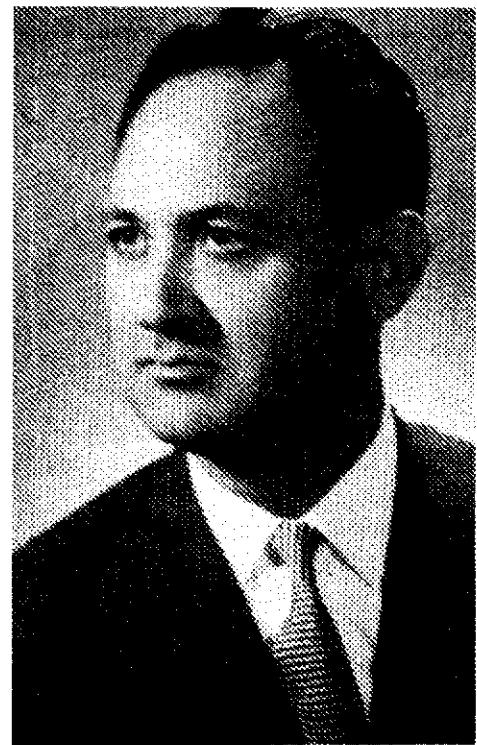
«به هر تقدیر آن چه موارد تاریخ یا فلسفه تاریخ خوانده می‌شود و من دوست دارم عنوان محبوبانه‌تر و کم مدعایتر «تاریخ نگری» را در آن باره به کار برم می‌خواهد از تاریخ که

تاریخ است، که می‌طلبد تا مورد پرسش جدی قرار گیرد؛ پر بی‌راهه نرفته‌ایم. عجیب است که اصطلاح مذبور علیرغم محوریتی که در مباحث هر سه اثر او داشته، در زمرة فهرست اصطلاحات پایان کتاب اورده نشده و نیز در هیچ جا تصریح نشده که این اصطلاح معادل یا برابر کدام واژه‌های لاتین است.

گفتنی است که اصطلاح مزبور در هیچ یک از فرهنگ‌های معتبر فارسی؛ دهخدا، عمید، معین؛ و نیز فرهنگ‌های معاصر اعم از فارسی و انگلیسی، فرانسوی، آلمانی و نیز حتی در فرهنگ‌های اختصاصی نظری (فرهنه‌انگلیسی - فارسی) علوم انسانی (آشوری)، و فرهنه‌اصطلاحات فلسفه و علوم اجتماعی (نشر بژوهشگاه علوم انسانی)، فرهنه‌اصطلاحات فلسفه (بابایی) در زمرة دهها و اژه همان‌وade «تاریخ نگری» مطلقاً به چشم نمی‌خورد. با این حال در یک کتاب به واژه‌ای مشابه با آن و در دو کتاب به عنین همین اصطلاح برمی‌خوریم: یکی در اثر هورکهایmer در برابر واژه ترکیبی فرانسوی (L'histoire) معادل «تاریخ نگری» اورده شده است. دیگر آن که مترجم اثر معروف هگل، عقل در تاریخ، در مقدمه مفصلی که براین کتاب نوشته در جایی از آن چنین مرقوم داشته است: «در اروپا تاریخ نگری Historismus به معنای تامل در حکمت و غایت و قایعی که بر سر ملت‌ها رفته است از پایان قرن هیجدهم میلادی در آثار متفکران آلمانی باب شد.»<sup>۱۶</sup> چنان که پیداست در این جا واژه آلمانی (Historismus) در غیر از معنای معادل دقيق انگلیسی آن یعنی Historicism به کار رفته است و این از آن رو توجیه‌پذیر است که اصطلاح مزبور در سیر پیدایی خود در معانی و مضامین مختلف به کار رفته است چنان که کاربرد منکث آن خود تاریخچه مفصلی دارد.<sup>۱۷</sup> بنابراین با این توضیح پیداست که منظور و مراد عنایت از «تاریخ نگری» در فقره فوق چیزی جز فلسفه تاریخ [به معنای کلاسیک آن] نبوده است. اتفاقاً با مطالعه و بررسی دقیق آثار زرین کوب نیز می‌توان چنین استنباط کرد، او هم گاه به صورت تلویحی و گاه به صراحت از اصطلاح «تاریخ نگری» فلسفه تاریخ را مراد کرده است.

وی در نخستین سطح فصل دهم تاریخ در ترازو که به «اندیشه تاریخ نگری» اختصاص یافته است می‌نویسد: «آنچه شور و شوق عامه امروز از تاریخ طلب می‌کند تنها شناخت گذشته نیست، معنی و هدف گذشته و اینده نیز هست: تاریخ نگری. همین نکته است که فلسفه تاریخ را به رغم اعتراض‌هایی که بر امکان آن هست توجیه می‌کند.»<sup>۱۸</sup> وی در جای دیگر با صراحت پیشتر به بیان مراد خود در به کارگیری اصطلاح مزبور می‌پردازد. آن جا که می‌نویسد:

«به هر تقدیر آن چه موارد تاریخ یا فلسفه تاریخ خوانده می‌شود و من دوست دارم عنوان محبوبانه‌تر و کم مدعایتر «تاریخ نگری» را در آن باره به کار برم می‌خواهد از تاریخ که



## دکتر زرین کوب گاه به صورت تلویحی و گاه به صراحت از اصطلاح «تاریخ نگری» فلسفه تاریخ را مراد کرده است

حمدید عنایت و دکتر زرین کوب که هر دو تاریخ نگری را معادل فلسفه تاریخ گرفته اند هیچ یک حتی اشارتی بر این نکته که فلسفه تاریخ عنوان معرفت واحدی نیست بلکه ناظر به دو گونه معرفت است، نداشته اند

علماء و اندیشمندان فلسفه تاریخ در غرب که در این حوزه از دانش بشمری نیز همانند بسیاری دیگر از حوزه های دانش پیشناز و پیشگام بوده اند، فلسفه تاریخ را به دو گونه معرفت منقسم کرده اند: «فلسفه نظری یا جوهري تاریخ» و «فلسفه انتقادی یا تحلیلی (یا علمي) تاریخ»

تاریخ نگری خویش، که هر چند آن را اظهار نکند لاجرم باز ماینگه، توینی، بوانکاره، آتوان کورنو، مارکس، انگلس، سینیوبوس.<sup>۱۷</sup>

۳- نقش شخصیت در تاریخ: پاره ای از بزرگان فلسفه

تاریخ برای شخصیت ها و نخبگان چنان اهمیت و جایگاهی قائل شده اند که اصولاً تاریخ را عبارت از احوال قهرمانان دانسته اند در این باب آراء این بزرگان بدرسی و گاه مورد نقد قرار گرفته است: تامس کارلایل، کورت برایزیگ و توینی، آراء این دو، مورد مناقشه زرین کوب قرار گرفته است.<sup>۱۸</sup>

۴- تاریخ و قوانین ترقی انسانیت (یا مسئله ترقی

در تاریخ عمومی): به پیدایی اندیشه ترقی در قرن هیجدهم اروپا و در عصر روشنگری اشاره شده و سپس هولیاک، بولاتزه، روسو، گوتفرید هردر، (آراء هردر با تفصیل بیشتر بیان شده است)، کانته، هگل (با تفصیل بیشتر) و کارل مارکس.<sup>۱۹</sup> زرین کوب ضمن بررسی آرا مارکس وارد بحث تاریخ گرایی می شود و بر این نکته تاکید می کند که تاریخ گرایی هم اندیشه ترقی را بکلی نفی نکرد ولیکن چیزی که بیشترانه بالنسبه مطمئن علمی برای اندیشه فراهم آورد عبارت بود از نظریه تکامل - تکامل تدریجی.<sup>۲۰</sup>

۵- نظریه تکامل: اعتقاد به تحول دوری یاسیرادواری تاریخ از دیر باز در میان فلاسفه طرفدارانی داشته است. اما از قرن ۱۸ به بعد آراء و نظرات متفاوتی درخصوص سیر تاریخ به میان آمد از جمله اندیشمندانی که اندیشه هایشان در این باب گزارش و بررسی شده عبارتند از: اسپنسر، نیچه، داروین، اشپنگلر، توینی، ویکو و برگسون. در این زمینه به دیدگاه ادیان قدیم و برخی تمدن های باستان نیز اشاره شده است.<sup>۲۱</sup>

۶- حرکت تاریخ و نیروی محرك تاریخ: در نزد ادیان

الهی حرکت تاریخ به سوی نظام احسن و محرك آن مشیت الهی، سنته الله، است. اما مکتبه های بشمری سعی داشته اند تا عوامل ثانوی را به عنوان نیروی محرك تاریخ به حساب آورند، چنانکه راتسل قائل به اقلیم جفرافیا، گفت گویندو قائل به نزد، ژول میشله قائل به تاثیر آنگیزنه آرمان های اخلاقی و اجتماعی، و کارل مارکس قائل به اقتصادیات و جنگ طبقات بوده اند. در اندیشه هگل و اشپنگلر عامل دین و عقاید قومی از جمله عوامل عمله محرك تاریخ به شمار می روند.<sup>۲۲</sup>

دکتر زرین کوب بعد از کنکاش در تاریخ نگری: بررسی آراء و نظرات بزرگان فلسفه نظری تاریخ، به این نکته می رسد که بخش مهمی از رسالت تاریخ نگری «توجه به علت های مأواه» در تاریخ است و لذا دنبال کردن «غاایت و مسیر حوادث» در شان فلسفه [نظری] تاریخ است و این نکته است که «تفاوت بین مخلوده تاریخ نگری و تاریخ نگری» است، که او هم نشان می دهد و در واقع تلقی مورخ از

چنانکه پیداست زرین کوب برای «تاریخ نگری و منطق

حاکم بر آن» اولویت و اهمیت خاصی قائل شده و فلسفه علم تاریخ یا «منطق پژوهش تاریخی» را پایه و مبنای فلسفه نظری تاریخ و به تعبیری پیش شرط تحقق علمی آن داشته است. از این روز است که بررسی آراء زرین کوب در باب تاریخ نگری و اصول آن اهمیت و ضرورت می پابند. دوم: تاریخ نگری و منطق حاکم بر آن (اصول تاریخ نگری).<sup>۲۳</sup>

در آغاز این بحث اشاره مجدد به این نکته ضروری است که در مباحث نظری تاریخ، زرین کوب بیش از تاریخ نگری به تاریخ نگری توجه نشان داده است و لذا نوشته های ایشان از جهت کمیت بیشتر مصروف و معطوف به این مقوله است.

تمام مسائل مطروده در مباحث مربوط به تاریخ نگری در آثار زرین کوب دقیقاً از جمله مسائلی است که در «فلسفه علم تاریخ» مطرح است. متنه بنا به دلیلی که در مبحث پیشین بدان اشاره شد، او هیچ گاه متعراض این تعبیر نشده است و این شاید چندان مهم نباشد زیرا آنچه مهم است طرح مسائل مطروده در «فلسفه علم تاریخ» است، که او به نحو احسن از عهده آن بر آمده است.

و اما مسائل مهم و اساسی که در فلسفه علم تاریخ مورد کاوش و تحلیل اند از چه قرارند؟ با نگاهی اجمالی به



بی ملال خویش اسناد پراکنده را از گوشه و کنار به دست آورد و شهادت گواهان را که این اسناد در حقیقت چیزی جز آن نیست با حوصله و دقت بسنجد. صدق و کذب خبرها را بررسی کند؛ آنچه را واقعیت تاریخی نام دارد ازان میان به دست آورد...».<sup>۱۰</sup> علاوه بر این دو فقره در جای جای نوشتۀ های زرین کوب که به نوعی ربط با روش تحقیق و تاریخ‌نگاری می‌یابد<sup>۱۱</sup>، اشاراتی مکرر به نقش و جایگاه اسناد و ارزش و اهمیت مأخذ و مدارک دست اول شده است. از این روست که تاریخ نویسی فن وانکه و فوستل دو کولاژ که اساساً مبتنی و مستند به اسناد بود، برای او فوق العاده دلپذیر و مطلوب می‌نماید.

او با تایید و قبول شیوه تاریخ نویسی کولاژ در خصوص روش وی می‌نویسد:

«جمع اوری اسناد و بیرون کشیدن و قایع از مدارک نزد او اساس کار مورخ بود. وی که اسناد تاریخ بود مکرر به شاگردان خویش خاطر نشان می‌کرد که برای یک روز تالیف، سالها باید مطالعه کرد شاهکار خود لو که تهدن قدیم نام دارد تالیفش ده سال وقت برد. درین کتاب [...] هر سطرش بربک سند قدیم متکی بود...»<sup>۱۲</sup>

زرین کوب همین دغدغه و سوساس از نوع «کولاژی» را در امر سندیابی، در بررسی اثربک مورخ ایرانی نیز نشان می‌دهد. آن جا که در سنجش و ارزیابی تاریخ باستان مشیرالدوله پیرونی می‌نویسد: «مؤلف با اصول و مبانی نقد تاریخی آشنایی کافی دارد، در گرداوردن اسناد و مدارک تمام امکانات روزگار خویش را به کار می‌بندد و از آن صبر و حوصله‌ی هم که محققان آن را خصلت مورخ خوانده‌اند بهره تمام دارد.»<sup>۱۳</sup> البته زرین کوب، روش تاریخ نویسی مشیرالدوله را متأثر از «شیوه مکتب فون رانکه»<sup>۱۴</sup> می‌داند.

زرین کوب علیرغم ارزش و اهمیت بسیاری که برای تهیه و گردآوری اسناد قائل است و آن را گاه کاری بس دشوار می‌خواند؛ با این حال مرحله بعد از تهیه اسناد و مدارک را بسیار دشوارتر و سخت‌تر به حساب می‌آورد. یعنی مرحله بروزی، سنجش، ارزیابی سند و نقد متن به منظور تعیین صحت انتساب اثری به صاحب اثر یعنی تحقیق در ارزش اصل سند - نقد خارجی؛ و نیز تشخیص صدق و کذب اخبار مندرج در اثر - نقد داخلی.<sup>۱۵</sup>

در این جا شاید طرح این سوال مهم و ضروری بی‌مورد نباشد که چرا مورخ محقق می‌باید در برخورد با سند این همه وسایس و دقت نظر از خود نشان دهد. چنان که تا به سلامت از مرحله سندشناسی عبور نکند مجاز به تاریخ نویسی تخواهد بود و اگر چنین کند، تاریخ را آلوهه به وهم و پندار و خیالات خواهد ساخت. پاسخ زرین کوب به این سوال چنین است:

«این مساله [سندشناسی] بی‌شک بیشتر از هر مساله

## از دید دکتر زرین کوب علاقه‌بی شایبه به حقیقت، حقیقت جویی، یکی از اساسی ترین و عمده ترین شرط‌های کار مورخ است، چه به عنوان یک شاهد واقایع و چه آن هنگام که در کسوت محقق، به عنوان یک قاضی، تاریخ را بر مبنای اسناد و روایات می‌نویسد



اجمال اشاره شد و به اصل اثر وی ارجاع گردید، ضروری است تا در پایان این نوشتار به اهمیت و جایگاه «مورخ» در اندیشه زرین کوب اشاره شود.

**وظایف و ویژگی‌های مورخ:**

از آن جا که زرین کوب اصولاً تاریخ نگاری را «حروفه‌ی جانکاه»<sup>۱۶</sup> می‌داند و از آن به «بند بازی فکری»<sup>۱۷</sup> یاد می‌کند. به کسی که هوای تاریخ نویسی در سر دارد توصیه می‌کند که یا وارد این حرفه نشود و یا این که خود را برای مواجهه با انواع دشواری‌ها و نازک کاری‌ها آماده سازد و برای فرآیند اصول، ضوابط و روش‌های حاکم بر این فن سعی و تلاشی بليغ مبذول دارد. به تعبير دیگر وظایفي که بر دوش مورخ است او را ملزم می‌سازد که خود را مستعد احرار و بزیگ‌ها و توانمندی‌هایی سازد که در نهایت بتواند از عهده رسالت خطیر تاریخ نویسی برآید تا مبدأ به راهی افتاد که همانند ناخنگان بی‌دانش، اهل تفنن، تاریخ را اسباب سرگرمی سازد.

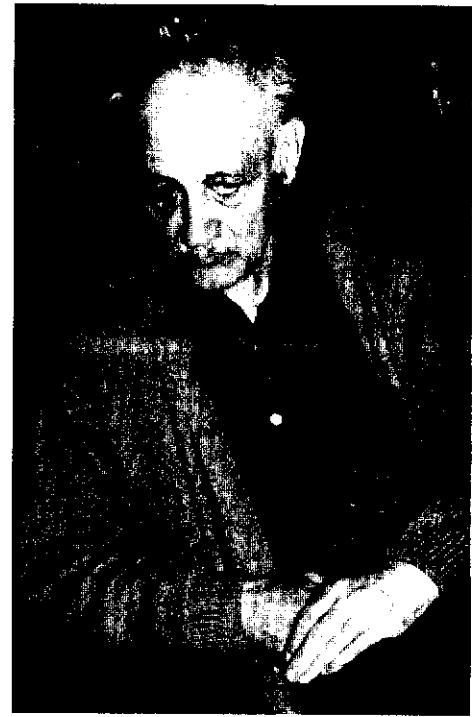
### الف: وظایف مورخ:

در لابلای نوشتۀ های زرین کوب، وظایف مربوط به مورخ به دو مرحله متفاوت - و البته مرتبط تقسیم شده است. او با دو واژه بليغ و گويا: «باز جويی و باز آفريني» که عنوان [فصل] ششم کتاب نيز هست، خواسته است وظایف مورخ را به دو مقام «جستن» [گرداوری]<sup>۱۸</sup> و «آفرین» [داوری]<sup>۱۹</sup> تقسیم کند. زرین کوب در اشاره به مقام نخست می‌نویسد: «قدم اول مورخ عبارت است از کشف و گردآوری اسناد که مستلزم استقرار است در تمام مظان روایات و استقراره هر چه تامتر بهتر». درجای دیگر با کمی تفصیل می‌گوید: «مورخ می‌بایست به کمک کنجکاوی و شوق

منابع مربوط به این قسم از فلسفه تاریخ می‌توان به مسائلی از این قبیل که محور و کانون مباحثه‌اند برخورد: ۱- روش‌شناسی پژوهش تاریخی؛ ۲- تاریخ و دانش‌های دیگر (تفاوت علم تاریخ با علم‌های دیگر)؛ ۳- عنصر گزینش در تاریخ؛ ۴- پيش‌بياني در تاریخ؛ ۵- تفسير و تبيين تاریخي؛ ۶- عينيت در تاریخ؛ ۷- امكان یافتن قانون مندي‌ها در تاریخ؛ ۸- دخالت ارزش‌ها در قصاصات‌های تاریخی؛ ۹- امكان تجربه در تاریخ؛ ۱۰- تئوري‌ها و مدل‌ها در تاریخ؛ ۱۱- واقعیت و حقیقت در تاریخ؛ ۱۲- راز اختلاف مورخان؛ ۱۳- امكان نوشت تاریخ نهایی یک موضوع یا یک دوره؛ ۱۴- روش علم تاریخ.<sup>۲۰</sup>

همه این مسائل در هر سه اثر پيش گفته به گونه‌ای جسته و گریخته طرح گردیده، و مؤلف به بحث و فحص پيرامون آنها پرداخته است. اما این مسائل به طور خاص در فصل ۷ که شاید بنوان آن را مهم‌ترین بخش کتاب به حساب آورد، به دقت طرح و مورد کنکاش و بررسی قرار گرفته است. برای نمونه: بيان تأثیر تاریخ در پيش‌بياني و رد نظر اشپنگلر (ص ۱۲۰): مورخ و مسئله گزینش (ص ۱۲۶، ۱۲۷)؛ بيان اينکه تاریخ به قانون منتهی نمى‌شود (ص ۱۲۵)؛ تفاوت تاریخ با علوم دیگر (ص ۱۲۵)؛ شناخت تاریخی و تفاوت آن با شناخت در علوم دیگر (ص ۱۴۱ و ۱۴۵)؛ مسئله عينيت (ص ۱۴۰، ۱۴۳)، مسئله قضاوت ارزش‌ها (ص ۱۲۸)؛ مسئله عليت در تبیین و تفسیر در تاریخ (ص ۱۲۶ و ۱۲۱)؛ مسئله عليت در تاریخ (ص ۱۳۰ و ۱۲۸ و ۱۲۴ - ۱۲۳)؛ واقعیت و حقیقت در تاریخ و تفاوت این دو مفهوم (این مقوله با تفصیل ييشرت بيان شده است: (ص ۱۲۷ - ۱۲۲ و ۱۱۷ و ۱۱۶)) مناقشه با رأي زيميل در خصوص تصویرپردازي مورخ از گذشته؛ با تصديق قول كالينگ وود (ص ۱۲۷ و ۱۲۶)؛ تقل تاریخی و تصدیقی قول دیلتان در باب «علوم نفساني [روحی]» (ص ۱۲۴) و ...

چنانکه پيداست مرحوم زرین کوب با طرح عمدۀ ترین مسائل مطرح در فلسفه علم تاریخ به تجربه و تحليل آنها پرداخته و با این کار مهم راه صعب و دشوار تاریخ‌نگاری علمی را تا حد زیادي هموار ساخته است (چنین امر مهمی زمانی از جانب او صورت گرفته است که در هنگام انتشار كتاب تاریخ در ترازو، در میان کتابهای فارسی هم موضوع با آن، جز یک كتاب: تاریخ چیست؟ اثر ای، اچ، کار؛ اصولاً چنین مباحثی مورد غفلت بوده است)<sup>۲۱</sup> بابراین می‌توان فصل ياد شده كتاب را به عنوان محوری ترین و اساسی ترین مباحث مربوط به تاریخ نگاری و منطق حاکم بر آن تلقی نمود و با این رویکرد به مطالعه دقیق و بهره‌گیری از آن پرداخت. حال که به اصول تاریخ‌نگاری در دیدگاه زرین کوب به



### دکتر زرین کوب با دو واژه بلیغ و گویا

«بازجویی و بازآفرینی»...  
خواسته است و ظایف مورخ را به دو مقام  
«جستن» [گردآوری] و «افریدن»  
[داوری] تقسیم کند

**خصایص سلبی که زرین کوب،**  
مورخ محقق را از آن‌ها پرهیز می‌دهد  
عبارت‌اند از: پرهیز از اغراض و تعصبات،  
اجتناب از تعجیل در قضایات، پرهیز  
از سبک سری و خوش باوری، اجتناب از  
تصور پیش ساخته، پرهیز از  
ورطه نابهنجامی، پرهیز از  
بت‌های خط‌النگیز



از دیگر عوامل بروز خطا در یک  
تحقیق تاریخی آن است که محقق به  
جای آن که به دنبال نفس شناخت حقیقت  
تاریخی باشد، به دنبال اثبات و تایید  
پیش فرض‌های خود به جستجو و  
تحقیق پردازد

نویسی طرح نموده و با سنجش و ارزیابی؛ بعضاً در معرض  
نقد و نظر نیز قرار داده است. هر چند از نوشه‌های  
زرین کوب چنین بر می‌آید که او بیشتر در تاریخ‌نویسی  
متغایر به علت کاوی (تبیین علی) بوده است.<sup>۲۰</sup> ولی با  
این حال نه تنها از شرح و توضیح آراء و نظریه‌های  
دانشمندان معنا کاو (تبیین و تفسیر تفہمی) غفلت نکرده،  
بلکه به نحوی مطلوب از عهده این بحث دراز مامن نیز برآمده  
است.<sup>۲۱</sup> (در اینجا برای اجتناب از اطناب، از ادامه مباحث  
مریوط به گام دوم در تاریخ‌نویسی خود طاری می‌کنم و عملتاً  
به آثار پیش‌گفته او و فصل یادشده کتاب ارجاع می‌دهیم.)

#### ب: ویژگی‌های مورخ

منظور ما از «ویژگی‌ها»، مجموعه خصایصی است که  
یک فرد می‌باشد بالفعل واحد آنها بوده و نیز مستعد احراز  
مجموعه‌های دیگر از توان مندی‌ها و قابلیت‌هایی باشد که  
از شرابیط و لوازم ضروری حرفة تاریخ نگاری است. مقدمتاً  
اشارة به این نکته ضروری است که در نوشه‌های  
پیش‌گفته زرین کوب به کرات با اظهار نظرهایی در خصوص  
ویژگی‌های مورخ و شان و منزلت حرفه تاریخ نگاری  
برمی‌خویریم. گفته‌های او در این زمینه تا به حدی است که  
بی‌اغراق می‌توان در مقاله‌ای مستقل به آن پرداخت. اما با  
این وجود سعی بر این است تا در این مختصراً به امهات  
نظریات او اشاره شود. برای نیل به این هدف با نگاهی  
دقیق به نوشه‌های زرین کوب نگریستیم، ملاحظه شد  
که، آن «مورخ بزرگ»<sup>۲۲</sup> برای مورخان علاوه به قائل  
شدن به یک سری ویژگی‌های کلی، به دو دسته ویژگی‌های  
ایجابی و سلبی نیز قائل است - ویژگی‌های سه گانه.<sup>۲۳</sup>

در خصوص مورد نخست، او براین عقیده است که  
ویژگی‌های کلی زیر برای هر مورخ ضروری است:  
۱- احاطه و تسلط تام بر منابع و مأخذ اصلی موضوع.  
۲- اشراف و آگاهی بر حدود پیشرفت تحقیقات پیشین  
راجح به موضوع.

۳- قوه استنباط درست و آزادگی از سخت‌گیری و  
سهول‌انگاری.

۴- دقت و احتیاط عالمانه در بررسی اسناد و در تحلیل  
و تفسیر مقول و منطقی آنها.

۵- چون تاریخ از لحاظ شیوه بیان با ادبیات ارتباط تام  
دارد قریب‌تر نویسنده هم برای وی از اسباب عمدۀ توفیق  
است - در طرز عرضه کردن تاریخ.<sup>۲۴</sup>

الف: ویژگی‌های ایجابی.

از دید دکتر زرین کوب علاقه‌بی شائبه به حقیقت،  
حقیقت جویی، یکی از اساسی‌ترین و عمدۀ‌ترین شرط‌های  
کار مورخ است چه به عنوان یک شاهد وقایع و چه آن  
هنگام که در کسوت محقق، به عنوان یک قاضی، تاریخ را  
بر مبنای اسناد و روایات می‌نویسد. در حقیقت «آن جا که  
مورخ این وظیفه حقیقت‌جویی را فراموش کند تاریخ او

دیگر خاطر مورخ را به تعب می‌اندازد، چرا که فطرت انسان  
در مورد خبر، خوشبادری و قول را اقتضاء دارد اما نیل به  
یقین علمی هم مقتضی آن است که مورخ در هر قدم - در  
برابر هر خبر - دائم از خود پرسید که آیا با واقع مطابق  
هست یا نه؟ وقتی خبر چنان باشد که از یک مخبر - راوی  
واحد - رسیده باشد باید دید که آیا ممکن نیست دروغ  
عمدی در کار باشد یا حتی فقط سهو و اشتباه؟ البته این  
هر دو امکان دارد و مورخ تا تحقیق نکند نمی‌تواند در  
هر چیز به چشم واقعیت تاریخی نگاه کند اسباب سهو و  
اشتباه کم نیست و گذشته از و گذشته راوی خبر، ممکن  
هم هست که یک راوی دقیق و هوشیار نیز به سبب فقدان  
مقدمات لازم از دریافت حقیقت موضوع خبر خویش درمانده  
باشد و به اشتباه و سهو دچار شده»<sup>۲۵</sup>

چنان که در اغاز همین بحث نیز اشاره شد درنگاه  
زرین کوب تهه و گردآوری اسناد و سپس تحقیق در اسناد  
و مدارک (سندشناسی) در روند تاریخ‌نویسی تنها به عنوان  
گام نخست و قدم اول تلقی می‌گردد. لذا بعد از گذر از این  
گردنۀ صعب و دشوار؛ مورخ محقق می‌باشد گام دوم را  
بردارد که البته آن نیز به نوبه خود گردنۀ‌ای است دشوارتر،  
پس می‌پردازیم به گام دوم: ثمره تمام تلاش‌ها و  
کوشش‌هایی که مورخ محقق در گام نخست انجام داده  
است تنها دست‌بیایی و حصول به «واقعیت‌های تاریخی»  
است، همین و نه چیزی بیشتر از این. حال او باید خود را  
مهیای آن کند که با توجیه و تحلیل این واقعیت‌ها به  
تدوین تحقیقات خود پردازد. به تعییری «واقعیت‌ها را  
با رشته علیت بیرونند و از آنها حقیقت تاریخی بسازند. با  
آن چه از این طریق حاصل می‌شود گذشته را درک کند و با  
حال مرتبط سازد و دراین همه از آن چه لازمه عینیت  
است به طور خود آگاه و تا آن جا که ممکن هست انحراف  
نحوید».<sup>۲۶</sup>

پس گام دوم همان است که در فلسفه علم تاریخ از آن  
به مسئله تفسیر و تبیین تاریخی یاد می‌شود. زرین کوب با  
شناخت دقیق نسبت به این که «مسئله علیت ما را وارد  
فلمنروی می‌کند که منطق تاریخ یا علم شناخت  
تاریخ (Epistemology of History)» است.<sup>۲۷</sup>  
سعی و تلاش وافری مبذول می‌دارد تا با طرح مباحث  
مکرر و متعدد دریاب علت و معلول در تاریخ که از طرافت‌ها  
و پیچیدگی‌های خاصی برخوردار است، بتواند از عهده  
مسئله تفسیر و تبیین تاریخی برآید. در این زمینه  
زرین کوب به خوبی بر این نکته واقف بوده که از عالمان  
علم الاجتماع دو گونه علم الاجتماع متمایز به میراث  
رسیده است: یکی تبیینی (علت کاو) و دیگری تفسیری  
(معنا کاو).<sup>۲۸</sup> لذا در بیشتر مباحث مربوط به تاریخ نگاری  
به ویژه در [فصل]-تاریخ و شناخت - چکیده آراء و نظریه‌های  
دانشمندان این دو علم را به ویژه در ربط با تاریخ و تاریخ



غالباً از کودکی گریبان‌گیر انسان بوده‌اند، او برای درمان این بیماری، شک دستوری دکارت را توصیه می‌کند و کتاب اصول فلسفه او را حاوی نکته‌سنجهای مفید می‌داند.<sup>۴</sup>

۵ - پرهیز از ورطه نابهنه‌گامی (*anachronism*)<sup>۵</sup>: دید لوسین فور منظور از نابهنه‌گامی یا زمان پریشی آن است که مورخ محقق بخواهد بی‌آن که درباره دشواری‌های کار شکی به دل راه دهد، از احسان‌ها و ایده‌های امروز ما، یک راست به احسان‌ها و ایده‌های انسان‌های روزگاران سپری شده راه یابد.<sup>۶</sup> افتادن در این ورطه مسلمان‌آمیز بدلترین خطاها بی است که در کمین هر مورخ محققی قرار دارد. زرین کوب بنا به توجهی که به این نکته مهم دارد و نیز علیرغم قبول قول معروف گروچه مبنی بر اینکه «تمام تاریخ، تاریخ معاصر» است نظر خود را برای مصون داشتن مورخ محقق از افتادن در ورطه خطا نیز چنین اعلام می‌دارد:

«رسست است که به طور ناخودآگاه تاریخ چنان که بندتو کروچه می‌گوید همیشه نوعی تاریخ معاصر است اما در عین حال گذشته نیز - لاقل در وجود مورخ - به طور ناخودآگاه چنده است. با این همه آن چه در روش تاریخ‌نویسی برای مورخ اهمیت دارد کار خودآگاه است که نیل به جنبه عینی در تاریخ فقط در حدود خودآگاهی وی ممکن خواهد بود. در واقع مورخ برای روئیت گذشته اگر ناجار است عینک «زمانه خویش» را بر جشم داشته باشد می‌بایست تا آن جا که می‌تواند آن را بی‌رنگ انتخاب کند و بی‌غبار.»<sup>۷</sup>

علم پرهیز از بتهای خطانگیز: این مبحث را با اشاره به یکی از مهم‌ترین خطاها ممکن که در کمین مورخ محقق قرار دارد ختم می‌کنیم - یعنی «پرسشن اوهام» فرستیس بیکن (۱۵۶۱-۱۶۲۶) از «أوهام» به عنوان بت یاد می‌کند - بت‌های طایفه‌یی، بت‌های شخصی، بت‌های بازاری، و بت‌های نمایشی. از دیدگاه زرین کوب این نام «بت» که بیکن در باب منشاء تعدادی از خطاها به کار می‌برد هیچ جا به اندازه تاریخ مفهوم واقعی خود را نمی‌باید.<sup>۸</sup> از این روست که بر مورخ محقق واجب است تا با چشم نقادی بینگرد. و در برایر بت‌ها از هر نوع که باشند تسلیم و انتقاد نپذیرد. اسیر اقوال و عقاید جاری نگردد (ـ بت‌های بازاری). فریفته دجال فریبکار عصر ما که «پروپا گاند» خوانده می‌شود.<sup>۹</sup> نشود. از اقوال کسانی (ـ بت‌های نمایشی). که مردم عادت کرده‌اند سخنان آنها را به منزله حجت بشمرند، تبعیت کورکرانه نکند. و در یک کلام با یید انتقادی<sup>۱۰</sup> به تاریخ بنگرد و تنها در جست‌وجوی حقیقت<sup>۱۱</sup> باشد.

**زرین کوب: درس آموزنده‌یی که فلسفه [نظری] تاریخ تاریخ نگری می‌تواند از منطق آن تاریخ نگاری بیاموزد**  
**التزام استشعار شهودی به احتمال خطای است و حکیم محقق تا وقتی احتمال وقوع در خطای از آن چه از طریق تفکر برایش حاصل می‌آید در خاطر راه ندهد، از استمرار در خطای که خروج از آن فقط با احتمال وقوع در آن ممکن می‌شود**  
**مصنون نمی‌ماند**

است از آن که انسان درباره چیزی که آن را خوب و درست نشناخته است حکم بکند و این امر بر اثر غرور و نخوت با شتابزدگی و غرض‌ورزی پیش می‌آید.<sup>۱۲</sup>

۳- پرهیز از سبک‌سری و خوش‌باوری: از جمله صفات ناپسند انسانی، سبک‌سری، بی‌دقیقی و سهل‌انگاری است. چگونه ممکن است مورخی بدون آن که خود را از این صفات مذموم عاری و پاک ساخته باشد، ادعای تاریخ‌نویسی جدی و علمی نماید. بر مورخ واجب است که در هنگام «نقل واقعه یا کلام منقول» خود را از حب و بغض، تعصب و جهالت دور سازد<sup>۱۳</sup> و با ترک سهل‌انگاری تا نهایت ممکن دقت نظر داشته باشد. همچنین مورخ محقق می‌باید چنان احتیاط به خرج دهد که مبادا از فرط خوش‌باوری به دام خطا بیفتد. پس پاره‌یی دیرباوری می‌تواند از جمله محسنات کار مورخ محقق قلمداد گردد.<sup>۱۴</sup>

۴- اجتناب از «تصویر پیش ساخته»: از دیگر عوامل بروز خطای در یک تحقیق تاریخی آن است که محقق به جای آن که به دنبال نفس شناخت حقیقت تاریخی باشد، به دنبال اثبات و تایید پیش فرض‌های خود به جست‌جو و تحقیق بپردازد. چنین «بژوهندهای که در کتابخانه دنبال اسناد و مدارک می‌گردد تا برای آن چه مطلوب (نشان کرده)» اوسته بینه و شاهد پیدا کند محقق نیست مدعی است و هر قدر هم ظاهر کارش با شواهد و اسناد همراه باشد کارش شبه تحقیق است نه انسان به خطای اخلاقی به گونه‌ای هست که بتوان از آن پرهیز جست. زرین کوب برای بیان ماهیت این خطای قول بوسوئه (۱۶۲۷-۱۷۰۴) را آورده که می‌گوید: «علت این که انسان به خطای حکم می‌کند آن است که دقت و ملاحظه کافی به کار نمی‌بندد و به عبارت دیگر در قضایت عجله می‌کند عجله کردن در قضایت هم عبارت

چیزی نخواهد بود جز اوهام و اغراض گمراه‌کننده همین اندیشه است که در تاریخ نقد اسناد و شهادات را الزام می‌کند.<sup>۱۵</sup> از دید زرین کوب مسئله تمیز بین حقیقت از خطای، اولین قدم در راه هر نوع حقیقت جویی است و به همین چهت حکما در تحقیق آن شاید به سوساس یا مبالغه گراییده باشند. اما زرین کوب در پاسخ به این سوال که خطای از کجا ناشی می‌شود می‌نویسد: «خطای اینجا بینا می‌شود که انسان گویی خود را از حقیقت بیشتر دوست می‌دارد و نفع شخصی و مصلحت فردی را در کشف و بیان حقیقت دخالت می‌دهد.<sup>۱۶</sup> با همین وجه نظر است که با قبول قول موتنتی (۱۵۳۳-۹۲) به نقل عین عبارت او می‌پردازد: گویی «انسان چون نمی‌تواند آن چه را که را کار می‌بندد و بدان عمل می‌کند موافق حکمت و بر مقتضای حقیقت و صواب جلوه می‌دهد.<sup>۱۷</sup>

#### ب: ویژگی‌های سلیمانی:

زرین کوب از ویژگی‌های سلیمانی بسیار بیش از ویژگی‌های ایجادی سخن گفته است حق نیز چنین است زیرا مورخ محقق به هر میزان که خود را از کزی و خطای دور و مصون سازد درست به همان میزان در مسیر حقیقت جویی گام برمی‌دارد.<sup>۱۸</sup> خصایص سلیمانی که زرین کوب مورخ محقق را از آنها پرهیز می‌دهد به شرح زیر است:

۱- پرهیز از اغراض و تعصبات: در این خصوص به توصیه مورخان بزرگ اسلام استناد می‌کند که پرهیز از اغراض و تعصبات را از شروط عمده مورخ دانسته‌اند. او معتقد است که هنوز هم می‌توان این کلام ابوریحان بیرونی را به متزله دستور عمل در تحقیق و نقد تاریخ توصیه کرد، آن جا که بیرونی اظهار داشته است: «مورخ باید فکر خود را از تعصب و غلبه و پیروی از همو و ریاست جویی که این همه مانع دیدار حقیقت است پاک کند و دور از تمام این شوابی و اغراض به بروزی اقوال گذشتگان پردازد.<sup>۱۹</sup>

۲- اجتناب از تعجیل در قضایت: از دید زرین کوب علت خطای گاه امری است منطقی و گاه امری اخلاقی. اولی ضروری - و منطقی و اجتناب‌نایاب‌تر است زیرا همان گونه که اکثر حکما مانند مالبرانش، کانت و برگسون متوجه بوده‌اند. عقل انسان محدود است و لذا چون نمی‌تواند در کته اشیاء نفوذ کند و به جهان نامحدود احاطه بیاند و آن را چنان که هست بشناسد و چون از عهده این خواست خویش برنمی‌آید به خطای اتفاق و حکم‌های خطای اظهار می‌دارد. اما علت خطای اخلاقی به گونه‌ای هست که بتوان از آن پرهیز جست. زرین کوب برای بیان ماهیت این خطای قول بوسوئه (۱۶۲۷-۱۷۰۴) را آورده که می‌گوید: «علت این که انسان به خطای حکم می‌کند آن است که دقت و ملاحظه کافی به کار نمی‌بندد و به عبارت دیگر در قضایت عجله می‌کند عجله کردن در قضایت هم عبارت

زرین کوب منشاء این خطای را به تبعیت از دکارت ناشی از خو گرفتن انسان به پاره‌یی عقاید و احکام می‌داند که



### پیش‌نوشت‌ها:

- ۱- زرین کوب، عبدالحسین: تاریخ در ترازو، درباره تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری انتشارات امیرکبیر، چاپ اول، (تهران ۱۳۵۴)، چاپ دوم توسط همان ناشر در سال ۱۳۶۲ با تجدیدنظر و اصلاحات منتشر شده است. در این نوشته به چاپ دوم استناد شده است.
- ۲- مشخصات دو مقاله مزبور به شرح زیر است: الف: «درباره تاریخ» مندرج در کتاب از چیزهای دیگر (مجموعه نقد، پاداًشته بررسی و نمایشنوار)، انتشارات جاویدان، چاپ اول، (تهران ۱۳۶۶)، صص ۹۰-۷۲ [از این پس: زرین کوب: درباره تاریخ، ب: «تاریخ‌نگری یا تاریخ‌نگاری اشارتی به فلسفه و منطق تاریخ» مندرج در کتاب «نقش برآب...» انتشارات معین، چاپ اول (تهران ۱۳۶۸) در این نوشته به چاپ دوم، صص ۵۷-۴۴، استناد شده است. [از این پس: زرین کوب: تاریخ‌نگری...]]
- ۳- سترگ و بی‌سایقه از آن حیث که این اثر در حوزه مباحث پیچیده نظری تاریخ تا آن جا که نگارنده اطلاع دارد نخستین اثر تالیفی به حساب می‌آید. حتی تاکنون نیز اثری همسان و همسنگ با آن بهته در حوزه تالیف پدید نیامده است. حتی در حوزه ترجمه نیز اگر به منابع ارجاعی نویسنده در پاداًشته‌ها و منابع پایان کتاب، نگاه کنید، تعداد آثار پیش از شمار انگشتان دو دست نیست. [منابع مورد استفاده از این اعدماً انجکلیسی و فرانسوی و آلمانی بوده است.] اثر حاضر علی‌رغم اهمیت بسیاری که داشته، تاکنون تنها توسط یک تن آن هم به گونه‌ای اجمالی صرف‌اً معرفی شده است: (نگاه کنید به: پرویز اذکائی: تاریخ در ترازو، راهنمای کتاب، سال پیشتم، آبان و دی ۱۳۵۶، صص ۵۹۰-۵۹۱).
- ۴- شاید برای رفع همین کاستی و نقصان بوده که باعث شده تا یکی از اساتید فلسفه تاریخ از داشجویان خود بخواهد تا این کتاب را «در زمرة چند کتاب دیگر بخوانند و بر سبیل تکلیف، شرح و تقدیم بر آن بنویسند.» نگاه کنید به نوشtar دکتر سروش در نکوداشت استاد زرین کوب، روزنامه نشاط، شماره ۱۶، ۱۳۷۸ تیر (۲۴) ص. ۹.
- ۵- جسورانه از آن حیث که تا پیش از انتشار این اثر تا جایی که نگاره سراغ دارد هیچ نوشته و اثری از آن استناد در زمینه مباحث نظری تاریخ نشسته بود. شاید اگر تدریس اندک مدت درس فلسفه تاریخ بر عهده آن مرحوم گذاشته نمی‌شد هیچ‌گاه گفتارهایی که در نهایت صورت مکتوب یافت از جانب او ایراد نمی‌شد. این گفتارها زمانی در کلاس درس فلسفه تاریخ ایراد شده است که هنوز تاریخ به عنوان یک رشته استقلال نیافر و تاریخ و چografیا توامان یک رشته دانشگاهی محسوب می‌شدند. آیا طرح چنین مباحثی در حوزه نظری، تاریخ در آن روزگار که به حدس قرب به یقین گروه‌های تاریخ و چografیا با این گونه مباحث کاملاً بیگانه بودند، کاری جسورانه و بی‌سایقه تلقی نمی‌گردد؟
- ۶- با این همه نمی‌توان ناسف خود را از بابت تداوم نیافتن علم تاریخ پژوهی و فلسفه تاریخ پژوهی هایی - البته به جز در موافقه از جانب زرین کوب که استاد مسلم چنین پژوهش‌هایی بود پنهان کرد. متأسفانه او وقت خود را صرف تاریخ پژوهی هایی - هر چند ارزشمند و گرانقدر - کرد که، کم و بیش، از عهده مورخان دیگر هم برمی‌آمد. عجیب است که زرین کوب خود در پاداًشته اغاز کتاب به درستی اشاره کرده است که: این کتاب «جز مقدمه‌یی بر مسائل تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگری نیست» با این ادعان و اعتراض صریح برای هر خواننده کنچکاو این پرسش پیش

**دکتر زرین کوب برای «تاریخ نگاری و منطق حاکم بر آن» اولویت و اهمیت خاصی قائل شده و فلسفه علم تاریخ یا «منطق پژوهش تاریخی» را پایه و مبنی فلسفه نظری تاریخ و به تعییری پیش شرط تحقق علمی آن دانسته است**

**نوشتار حاضر در پی پاسخ به دو پرسش است:** ۱. منظور و مراد دکتر زرین کوب از تاریخ نگری چیست؟ ۲. اصول تاریخ نگاری از دیدگاه او کدام است؟

۱۶. همانجا، صص ۲۰۹، ۲۲۴.
۱۷. همانجا، ص ۲۲۴.
۱۸. همانجا، ص ۲۲۴، ۳۳۱.
۱۹. زرین کوب، «تاریخ نگری...»، پیشین ص ۴۵، ۴۶.
۲۰. همانجا، ص ۴۹.
۲۱. زرین کوب در پایان مقاله پیش گفته استنتاج خود را با این جاز چنین می‌داند: «بلای درس آموزندگی که فلسفه (ظری) تاریخ نگری می‌تواند از منطق آن تاریخ نگاری یا موزد التزام استشمار شهودی به احتمال خطاست و حکم محقق تا وقتی احتمال وقوع در خطاراد آن چه از طریق تفکر برایش حاصل می‌آید در خاطر راه ندهد از استمرار در خطای که خروج از آن فقط با احتمال وقوع در آن ممکن می‌شود مصنون نمی‌ماند.» همانجا، ص ۵۷.
۲۲. سروش، پیشین، ص ۲۲.
۲۳. زرین کوب، «تاریخ نگری...»، پیشین ص ۵۰.
۲۴. زرین کوب، «تاریخ در ترازو، پیشین، ص ۲۲۰.
۲۵. درخصوص این قبیل سوالات که در فلسفه علم تاریخ مطرح استه از جمله نگاه کنید به این متابع: والش: پیشین، صص ۱۸، ۲۷.
۲۶. در این خصوص علاوه بر مباحث عدیده در تاریخ در ترازو، بنگردید به مقاله: «تاریخ نگری...»، صص ۴۶، ۵۷.
۲۷. نگارنده نمی‌تواند تعجب خود را این نکته پنهان دارد که زرین کوب زمانی به شرح و بررسی روش تئومی، تاویلی (هرمونتیکی) پرداخته که در آن زمان نام داشمندان بزرگی همچون شلایر ماحر، درویزن، دیلنای، ویر، یاسپرس، کالینگ وود، یا گوش کتر کسی رسیده بوده اما در کتاب تاریخ در ترازو آراء و نظریه های همه اینان و داشمندانی از این دست طرح و تحلیل شده است.
۲۸. تغییر سرویس نی میه (۱۸۸۸).
۲۹. او که خود از مورخان بزرگ انگلستان در قرن بیست بود چنین اعتقاد داشت که «مورخ بزرگ آن چنان کسی است که بعد از هیچ کس نتواند بدون این که او را به حساب بگیرد تاریخ نویسید...» نگاه کنید به: مهتا، ود: «فیلسوفان و مورخان (دیدار با منظر کران انگلیس)؛ ترجمه عزت الله فولادوند انتشارات خوارزمی، چاپ اول (تهران ۱۳۶۹) ص ۲۲۲.
۳۰. آیازرین کوب به حق مصادق باز تعییر نی میه نبود؟
۳۱. البته نوشتهد و اظهارات زرین کوب درخصوص ویژگی های مورخ پردازند است، دسته بندی از ماست.
۳۲. زرین کوب: «تاریخ در ترازو، پیشین، ص ۱۱۰، در این زمینه مقاله ارزشمند [وش] «تحقیق درست» استاد نیز خواندنی است. مترجم در کتاب: «یادداشت ها و اندیشه ها، انتشارات اساطیر، چاپ چهارم (تهران ۱۳۷۱)». صص ۹، ۱۷. گفتی است که بر شمار موارد یاد شده باز هم می توان افزود.
۳۳. زرین کوب: «تاریخ پیشین، ص ۵۹.
۳۴. زرین کوب: «تاریخ در ترازو، پیشین، ص ۱۲۱، زرین کوب از بیان دیگر علی بروز خطای خودداری نمی وزد. از خطای منطقی و اخلاقی سخن می گوید و نیز به بحث پیرامون نظر دکارت و مالبرانش در باب علت خطای می پردازد (همان، ص ۱۳۰)؛ برای اجتناب از اطباب از پرداختن به دیگر ویژگی های ایجادی صرف نظر می کنیم و پیشتر به موارد سلسی می پردازیم.
۳۵. نظر زرین کوب در این زمینه چنین است: «البته آن چه لطفی، انتشارات خوارزمی، چاپ اول (تهران ۱۳۶۳) ص ۳۰۹.
۳۶. زرین کوب: «تاریخ در ترازو، پیشین، ص ۱۱۱ و ۱۵۵-۱۴۹.
۳۷. همانجا، ص ۱۱۱ و ۱۱۲، در ادامه همین فقره باز هم از مواردی که منجر به درج خبر کذب در اسناد شده اشاره کرده و به بیان وظیفه مورخ در مواجهه با چنین استاد و اخبار پرداخته است.
۳۸. همانجا، ص ۱۱۱ و ۱۱۶.
۳۹. برای آگاهی پیشتر در خصوص این مبحث نگاه کنید به دو کتاب ارزشمند زیر: لیتل، دانیل: «بینی در علوم اجتماعی» (درآمدی به فلسفه علم اجتماع) ترجمه عبدالکریم سروش، انتشارات صراط، چاپ اول (تهران ۱۳۷۷)، این کتاب از سوی مجید محمدی نیز ترجمه شده و انتشار یافته است؛ همچنین: «فروند، زوین، نظریه های مریبوط به علوم انسانی، ترجمه علی محمد کاردان، نشر دانشگاهی، چاپ دوم (تهران ۱۳۷۷)
۴۰. در این خصوص علاوه بر مباحث عدیده در تاریخ در ترازو، بنگردید به مقاله: «تاریخ نگری...»، صص ۴۶، ۵۷.
۴۱. نگارنده نمی‌تواند تعجب خود را این نکته پنهان دارد که زرین کوب زمانی به شرح و بررسی روش تئومی، تاویلی (هرمونتیکی) پرداخته که در آن زمان نام داشمندان بزرگی همچون شلایر ماحر، درویزن، دیلنای، ویر، یاسپرس، کالینگ وود، یا گوش کتر کسی رسیده بوده اما در کتاب تاریخ در ترازو آراء و نظریه های همه اینان و داشمندانی از این دست طرح و تحلیل شده است.
۴۲. تغییر سرویس نی میه (۱۸۸۸)، صص ۱۵۰، ۱۵۱.
۴۳. در این زمینه بد نیست به سخن از سروش اشاره کنیم، آن جا که در سایش از زرین کوب می نویسد: «وقتی هنوز پاره ای از مدیان فلسفه برای کسب نام و نان، فحاشی های خود را به پور اغاز نکرده بودند زرین کوب در آثارش از نقد جانانه پیور بر افلاتون یاد می کرد و نشان می داد که دامنه و دایره تبع و تحقیقات و انصافش تا کجا گسترده است.» روزنامه نشاط، ۲/۲۰، نیز ۱۳۷۸/۹.
۴۴. زرین کوب: «تاریخ در ترازو، پیشین، صص ۱۱۰ و ۱۱۱.
۴۵. زرین کوب می نویسد: این بدبازی از انسان دو چیز طلب می کند: «أَرْاضِنَ اعْصَابَ «چَالَكَىْ وَ تَهْرُورَ».
۴۶. همانجا، ص ۱۴۲.
۴۷. همانجا، ص ۱۱۰.
۴۸. از نوشتهد های در زمینه یاد شده برای نمونه می توان به این موارد اشاره کرد: مقاله «تحقیق درست» مندرج در کتاب «یادداشت ها و اندیشه ها» انتشارات اساطیر، چاپ چهارم (تهران ۱۳۷۱). مقاله «تاریخ نگاری در ایران معاصر» مندرج در کتاب «حکایت همچنان باقی» انتشارات سخن، چاپ اول (تهران ۱۳۷۶)؛ مقاله «شیوه تاریخ نگاری در کتاب ایران باستان مشیرالدوله» مندرج در کتاب نه شرقی، نه غربی، انسانی (مجموعه مقالات)، انتشارات امیرکبیر (تهران ۱۳۵۳).
۴۹. زرین کوب: «تاریخ در ترازو، پیشین، ص ۹۸.
۵۰. زرین کوب: «تاریخ در ترازو، پیشین، ص ۳۳۰ و ۳۳۱.
۵۱. زرین کوب: «تاریخ در ترازو، پیشین، ص ۴۰۰.
۵۲. زرین کوب: «تاریخ در ترازو، پیشین، ص ۶۰ و نیز تاریخ در ترازو، ص ۱۴۵. زرین کوب در همین صفحه در باب نقد پیرونی و درونی، مورخ را با سوالات عدیده مواجه می بیند که می باید برای هر